



تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا (مطالعه موردی شهر دزفول)

پدیدآورده (ها) : بهار، مهری؛ کاهیرده، نسیم
علوم اجتماعی :: مطالعات فرهنگی و ارتباطات :: پاییز 1388 - شماره 16 (علمی-پژوهشی)
از 1 تا 24

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/974441>

دانلود شده توسط : محمد اختری

تاریخ دانلود : 07/06/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا
(مطالعه موردی شهر دزفول)

مهتری بهار*

نسیم کاهیرده**

دریافت (۸۸/۱۱/۲۳) تایید (۸۹/۰۲/۱۵)

چکیده

مناسک عزاداری عاشورا از جمله گردهمایی‌های مذهبی است که از دیرباز به منظور حفظ و نگه داری یک سری از مفاهیم و ارزش‌های دینی و انتقال آن به نسل‌های آینده، صورت گرفته است. درمورد شکل اجرای این مناسک الگوی واحدی وجود ندارد و تشخیص الگوی مطلوب آن همواره محل چالش و از این‌رو موضوع مهمی برای پژوهش محسوب می‌شود؛ لذا آن‌چه که در ادامه می‌آید مطالعه موردی در همین راستاست که به شیوه کیفی و با استفاده از تکنیک‌هایی مانند مصاحبه و مشاهده مشارکت آمیز به بررسی تحول نقش دو عنصر اساسی این مناسک یعنی؛ واعظ و مداحان پرداخته است و داده‌های بدست آمده از آن نشان می‌دهد در این مناسک برخلاف گذشته مداحان - به عنوان نماد دین داری عاطفی - محور و واعظ - به عنوان مرجع دینی - در حاشیه قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مناسک، مداح، واعظ، عزاداری عاشورا، هیأت، دینداری.

*استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران mbahar.ut@gmail.com

**کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی nasim8256@yahoo.com

مقدمه

دین از جمله مقولاتی است که قدمتش به آغاز حیات بشری پیوند خورده است؛ چرا که اولین نوعی از معرفت بوده که برای انسان در ارتباط با محیط پیرامونش تحقق یافته است؛ و آن چه که در اینجا مد نظر قرار گرفته بخشی از دین یعنی رفتارهای دینی و اعمالی است که، در ارتباط با باورها و عقاید دینی رخ می‌دهند. اعمالی که معمولاً در قالب مراسم و آیینی خاص، در ایام ویژه ای به‌طور منظم و همگانی تکرار می‌شوند و تحت عنوان مناسک یا آیین عبادی نامیده می‌شوند و موجب تقویت باورهای دینی افراد می‌شوند. جامعه ایرانی جامعه ای دینی است. نهادهای دینی، افراد دیندار، مراسم و مناسک دینی به لحاظ ساختاری، فرهنگی و اجتماعی اهمیت دارند. هر یک از آیین های دینی عنصری تشخیص آفرین برای افراد، گروهها و طبقات اجتماعی اند (بهار ۱۳۸۳: ۱۲۲).

مناسک در میان پیروان همه ادیان به صور مختلف اجرا می‌شود و در میان مسلمانان و بویژه شیعیان اشکال متنوعی از آن وجود دارد. مناسک عزاداری عاشورا، از جمله این مناسک است از دیرباز استمرار یافته و از عناصر مهم هویتی و فرهنگی شیعیان محسوب می‌شود. در واقع اجرای مناسک عزاداری عاشورا، به صورت منظم در طی قرون متمادی گذشته، به منظور حفظ و نگهداری یک سری از مفاهیم و ارزش‌های دینی صورت گرفته است که در اصل برای انتقال به جامعه شیعه و در جهت نیرومند ساختن آن برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی و غلبه بر دشمنان، نوعی محرک عمل محسوب می‌شده و همواره از سوی امامان شیعه نیز بر اجرای آن تأکید شده است. این مناسک همواره زمینه‌ساز و محرک بسیاری از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جوامع شیعه بوده است و این کار به واسطه قدرت این مناسک در ایجاد ایمان و احساس دینی قوی و شدید در بین مؤمنان عزادار میسر می‌شده است و از آن‌جا که مذهب شیعه از سالیان دور مذهب رسمی و غالب ایرانیان بوده است، طبعاً مناسک عزاداری عاشورا از دغدغه‌های دیرینه آن‌ها هم محسوب می‌شود، که البته تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، تغییراتی را پذیرفته و با اشکال متفاوتی ظهور یافته است. از جمله تغییراتی که در دوران معاصر نیز متناسب با زندگی مدرن و جدید در این مناسک رخ داده، و منشاء ایجاد موج گسترده‌ای از دیدگاه‌های مختلف آسیب‌شناسانه و انتقادی دینی و نیز روشن‌فکری به سمت موضوع عزاداری شده است. اما در کنار رویکردهای کلامی و جدلی دین‌داران سنتی و مدرن در مواجهه با مناسک عزاداری، می‌توان از رویکردهای اجتماعی و فرهنگی به واسطه علمی مانند جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی یاد کرد که به دنبال ارائه تبیینی فرهنگی و اجتماعی از دلالت‌ها و ریشه‌ها و کارکردهای پنهان و آشکار این مناسک هستند. دیدگاه‌های جامعه‌شناختی که در آن، تبیین علل اجتماعی وقوع چنین تغییر و تحولاتی مطمح نظر قرار گرفته است.

طرح مسئله

دین بیش از آن که دستگاهی از باورها باشد، مجموعه‌ای از اعمال است و نمی‌توان اهمیت این اعمال را نادیده گرفت در واقع نقش جدی‌ای که دین در حیات اجتماعی مؤمنان ایفا می‌کند از طریق مناسک صورت می‌پذیرد. ولی آنچه که در حیطه جامعه‌شناسی دین صورت گرفته است عمدتاً در مفهوم همه جانبه آن اعم از مناسک، باورها و اعتقادات مورد پژوهش بوده است؛ این پژوهش‌ها معمولاً مانع از تمرکز بر وجوه خاصی مثل مناسک، باورها، اعتقادات، به‌طور تخصصی و جداگانه هستند.

در ایران مناسک جایگاه قابل توجهی دارند این جایگاه پس از انقلاب به دلیل حضور دین در حکومت اهمیت بیشتری یافته است. از طرفی تکثر، تنوع و عمومیت یافته در حدی که می‌توان از جامعه ایرانی به عنوان یک جامعه آیینی - مناسکی نام برد و از طرف دیگر آیین‌ها، دستخوش تغییرات بسیار شده است. این تغییرات نشانگر آن است که مناسک بر خلاف دیدگاه گذشته داده‌های اجتماعی متصلب نیستند بلکه، بسیار منعطف و متأثر از زمینه تاریخی و همچنین نیازهای اجتماعی‌اند، در نتیجه هم به میراث می‌رسند، هم تغییر می‌یابند، همچنین ابداع می‌شوند. چنانچه جنگ، پیروزی انقلاب یا تأسیس حکومت جدید همه آیین‌های بزرگداشت خاص خود را به وجود آورده‌اند. اما آنچه که ویژگی ممتاز جامعه ما، به دلیل حضور دین در سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری است، وجه حقوقی و قانونی‌ای است که برخی از مناسک یافته‌اند. از این نظر ایران مورد متمایزی در مطالعه مناسک دینی است. به دلیل زمینه شیعی ایران که از نظر تاریخی تا زمان صفویه به عنوان یک اقلیت، مورد ستم و سرکوب بوده است و در نتیجه در برابر تاریخ رسمی کوشیده‌است از خلال مراسمی چون عاشورا، حافظه تاریخی خود را زنده نگاه دارد و... در نتیجه مناسک دینی ما اغلب با سوگواری پیوند خورده است (شریعتی، ۱۳۸۷).

واقعه کربلا در طی تاریخ حیات تشیع، عنصر مرکزی هویت جمعی و دینی شیعه بوده‌است و عزاداری محرم از یک‌سو محمل اصلی وجدان جمعی جامعه شیعه بوده و از سوی دیگر یکی از منابع اصلی نظام نمادین و نمادهای مرکزی فرهنگ شیعه بوده است (رحمانی، ۱۳۸۶).

مناسک عاشورایی به دلیل نقشی که در حیات دینی مردم داشته در صور مختلفی تبلور یافته و مردم آن را طی مکانیسم‌ها و صورتبندی‌های متنوعی بازسازی کرده‌اند. مانند شکل سنتی تئاتر ایرانی (تعزیه) و همچنین صور دیگری مثل روضه و سفره‌های نذری خانگی و هیات‌های عزاداری که در ایام محرم برگزار می‌شوند. که البته هیات‌های عزاداری یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین جماعت‌هایی هستند که، در تولید و بازتولید این مناسک نقش دارند.

در دهه‌های اخیر به ویژه از دهه هفتاد به بعد با ظهور موج گسترده‌ای از هیات‌های عزاداری، (بنا به گفته کارشناس سازمان تبلیغات استان تهران، حدود ۱۵ هزار هیات ثبت شده در تهران

وجود دارد که این آمار فارغ از هیات‌های غیررسمی و هیات‌های زنانه ی ثبت نشده است) (همان) نوع خاصی از هیات‌ها مطرح شدند که بیان‌گر ایجاد تحولی عمیق در روند در عزاداری سنتی بودند، که هم به لحاظ ظاهر و شکل اجرا و هم به لحاظ محتوا از نوع سنتی آن متمایزند و نوع جدیدی از هیات‌های عزاداری محسوب می‌شوند. جدید بودن آن‌ها به واسطه خروج از هنجارهای سنتی عزاداری و استفاده از ریتم و آلات موسیقی متمایز و تکیه بر شورمندی و هیجان مذهبی بالا در میان جماعت عزاداران است، که توسط مداح رهبری می‌شود. یعنی در این هیات‌ها ساختار دوگانه واعظ/مداح در اجرای سنتی عزاداری محرم به گونه‌ای تغییر یافته است و این تغییر با پررنگ شدن نقش مداح یا ذاکر و در حاشیه قرار گرفتن واعظ یا روحانی قابل مشاهده است، به طوری که اغلب در این مراسم یا روحانی یا واعظ وجود ندارد و یا اگر هم هست در حاشیه اجرای این مراسم قرار می‌گیرد و منبر او مقدمه‌ای است برای اجرای مداح و این در حالی است که در اجرای سنتی این عزاداری‌ها واعظ - به عنوان شخص مطلع و متخصصی که وظیفه طرح و ارائه حقایق تاریخی و مباحث فکری پیرامون قیام کربلا را برعهده داشته و به تبیین علل قیام امام حسین و نتایج مترتب بر آن به منظور ارائه ی الگوی مناسب به جامعه می‌پرداخته است - نقش اصلی را در اجرای این مراسم عهده‌دار بوده است و سنت چنان بود که مداحان هنر خود را در جلب عواطف و احساسات مردم به خدمت می‌گرفته‌اند تا آنان را به پای منبرها بکشاند و به حسب وضع و موقع با مرثیه‌سرایی قلوب مستمعین را مستعد دریافت حقایق دین و معارف اهل بیت(ع) نمایند. چنین بود که مداحی در خدمت منبر قرار می‌گرفت و مداحان رونق‌بخش کرسی علمای دین در تعلیم و تهذیب افراد جامعه می‌شدند. البته در این‌جا مسئله ی چیستی مناسک عاشورا و وفاداری به سنت اولیه این مناسک یا انحراف از آن مطرح نیست بلکه جایگاه و کارکرد مناسک عاشورا به موازات چنین تحولی مورد نظر است، که طبعاً پس از توصیف این فرض یعنی جانشینی مداح به جای واعظ در اجرای مناسک عزاداری عاشورا دستیابی به دلایل جامعه‌شناختی این تحول نیز محقق خواهد شد.

ضرورت بررسی مناسک عاشورا

واقعه عاشورا مدت‌ها قبل اتفاق افتاده ولی چیزی که بررسی آن و مناسک پیرامونش را برای متفکران اجتماعی با اهمیت می‌سازد گرایش و یا نگرش مردم ایران نسبت به این حادثه و حضور پایدار آن در قلب و ذهن افراد جامعه است. شناخت فرهنگ شیعی ایران، یکی از مهم‌ترین و در نهایت کلیدی‌ترین موضوعات شناخت حادثه عاشورا، روایت‌های تاریخی مربوط به آن و در نهایت سنت‌های فرهنگی - دینی شکل گرفته پیرامون این حادثه است. از این‌رو توجه به تغییرات و تحولات در اجرای این مناسک ضرورت می‌یابد. ظهور اشکال جدید در

مناسک عزاداری از نظر عموم دین‌داران سنتی برای دین پیامد مناسبی ندارند اما جدا از این مسئله‌ی درون‌دینی، این صورت‌های جدید و بروز آن‌ها دلایل اجتماعی فرهنگی خاص خودش را دارد که فهم آن ضروری است.

سررشته‌ی مجالس عزاداری عاشورا به دست عامه است و آن‌ها میان‌دار و صحنه‌گردان عاشورایند، مردم برای عزاداری شکل‌های گوناگونی آفریده‌اند و هیچ‌یک از این شکل‌های عزاداری را عالمان دین به مردم القا نکرده‌اند. بلکه خود مردم همواره جلودار بوده‌اند و به این مراسم شکل خاصی داده‌اند. ورود بدعت‌ها و تحولات در مناسک عاشورا به عنوان یک آیین مذهبی در میان شیعیان نیز بدین علت است که عامه متولی آن شده و نقش اساسی را ایفا می‌کنند و از آنجایی که شکل معین و دقیقی برای عزاداری ترسیم نشده میدان برای اعمال سلیقه‌ها باز است. از این‌رو این بدعت‌ها و اعمال سلیقه‌ها در گذر زمان و به مرور از جنبه‌ی اعتقادی برخوردار و به آگاهی‌های مذهبی بدل شده است و در حوزه‌ی مقدسات مذهبی قرار می‌گیرند؛ و از آنجاکه این روند به مرور زمان هم نقصان معرفت دینی را به همراه دارد و طبعاً نهاد دین را متوجه آسیب می‌نماید و هم زمینه ساز رواج سطحی‌نگری افراد و فاصله گرفتن جامعه از تفکر و ژرف اندیشی عقلانی خواهد بود. لذا از این منظر پیگیری و تحلیل علل جامعه‌شناختی آن ضرورت می‌یابد.

مفاهیم اصلی تحقیق

۱. مناسک^۱

مناسک به معنای بسیط آن یعنی کیش عبادی، مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از راه آن ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۷۸). به‌طور کلی، پابندی گروهی از افراد یک جامعه، به یک شیوه‌ی عمل جمعی، مانند برگزاری آیینی مشخص و همگانی، ناخواسته پیوندها و ارتباطات میان اعضا را تقویت می‌کند و در نتیجه ارتباطات قوی میان اعضا، همبستگی و انسجام اجتماعی هم تقویت می‌شود و اسباب ثبات، استمرار و پایداری جامعه فراهم می‌شود خصوصاً وقتی که عاملی کمکی مانند باوردینی به انجام آن آیین جمعی معنا بخشیده و اهتمام به آن را با وعده ثواب جذاب‌تر کرده‌باشد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۲۳-۵۱۸). مناسک به زنده نگاه‌داشتن باورها، به جلوگیری کردن از فراموش شدن آن‌ها، خلاصه به نیروی تازه بخشیدن به اساسی‌ترین عناصر وجدان جمعی کمک می‌کند.

۲. عزاداری عاشورا

کلمه «عزاداری» که امروز در زبان فارسی استفاده می‌شود برگرفته از کلماتی همچون «عزا»، «تعزیت» و «الاعتزاء» در زبان عربی است که به معانی صبر بر از دست دادن‌ها و مصایب می‌باشد. از این رو می‌توان گفت مفاهیمی چون «کمک خواستن و پناه بردن به کسی یا چیزی، صبر، تسلی دادن خود با دیگران» برخی از مؤلفه‌هایی است که از معانی چنین الفاضی به دست می‌آید.

عزاداری عزادار معمولاً با توجه به نگرش او به جهان و به جهت تسلی یافتن یا تسلی دادن صورت می‌گیرد. اما گاهی در عین حال که ممکن است به جهت تسلی یافتن یا تسلی دادن باشد اهداف مهم‌تر و بارزتر را نشان گرفته که برگزاری مناسک عاشورایی در فرهنگ شیعه از جمله این‌گونه عزاداری است.

برگزاری مستمر این مجالس عزاداری تحریک متناوب احساسات جامعه شیعه را در پی دارد. در اثر تکرار این روند پس از چندی تثبیت و نهادینه می‌شود و در پایان به پایداری و تعمیق احساسات دائم بر انگیخته شده خواهد انجامید. نتیجه آن‌که مجالس عزا از صرف اجتماع معمول مؤمنان فراتر می‌رود و به نوعی منبع احساسی قوی و گسترده مبدل می‌شوند با توجه به بعد حماسی و مبارزاتی واقعه عاشورا روشن است که وجود چنین منبعی از احساس متراکم شده دینی تا چه اندازه می‌تواند برای نظام سیاسی مخالف شیعه خراساز و بحران آفرین باشد خصوصاً هرچه این مجالس متعدد و پرجمعیت‌تر باشد، احساسات متراکم‌تر می‌شود و محتمل است که هویت و وجهه اعتراضی و مبارزاتی بیابد.

۳. واعظ

به آن دسته از روحانیون و اشخاص معمم آشنا به فن خطابه و وعظ و اصطلاحاً اهل منبر گفته می‌شود. البته این روحانیون الزاماً تحصیلات عالی حوزوی ندارند، این افراد وظیفه تبلیغ دین و گویندگی معارف دینی و اسلامی را برعهده دارند. هدف از حرفه ی تبلیغ و گویندگی دینی عبارت است از موعظه برای تزکیه ی مردم تبیین معارف دینی برای بالا رفتن سطح آگاهی دینی مردم و بیان مصایب امام حسین(ع) یعنی ارائه ی الگویی به مردم برای کیفیت بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۹۶).

در سلسله مراتب درونی روحانیت عموماً رده‌های پایین به وعاظ و خطبا اختصاص دارد که آن‌که هنوز هم در عرف روحانیون کسرشأن علمای بزرگ و مراجع محسوب می‌شود که روضه‌خوانی کنند. در یک دسته‌بندی جزئی‌تر می‌توان اعضای این طبقه را به دو دسته مسئله‌گو و خطیب تقسیم کرد مسئله‌گوها در رده منزلتی پایین‌تری نسبت به خطبا قرار

می گیرند و کارشان اینست که در آغاز مجلس و پیش از خطیب بر منبر می روند و به تناوب برخی احکام فقهی مورد نیاز مردم را برای مستمعان بازگو می کنند. خطبا اما در رتبه بالاتری قرار دارند و در فاصله روضه خوانی و مسئله گویی به منبر می روند و مسائل اخلاقی، اجتماعی و مباحث دینی را برای مردم مطرح می کنند؛ از بایسته های یک واعظ خوب داشتن صوت خوب است تا بتواند پیش از خاتمه منبرش از خلال بحث گریزی به مصایب اهل بیت بزند و روضه خواند (مظاهری، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

۴. مداح

مداحان کسانی هستند که در مجالس عزاداری وظیفه ای در راستای تکمیل کار وعظ و خطابه داشته اند، یعنی به فرجام اصلی رساندن مجلس و به گریه انداختن مستمعان و مدیریت سوگواری آنان و برقراری فضای عزاداری. مداحان اگرچه منزلت اجتماعی پایین تری نسبت به واعظ داشته اند، اما عموماً بین مردم محبوبیت بیشتری دارند و عامه آنان را بیش از روحانیون نزدیک به خود محسوب می کنند. اصلی ترین لازمه های این حرفه یکی داشتن صدای خوش و دیگری برخورداری از حافظه توانا و مقداری هم زیرکی و موقعیت شناسی است. شناخت مخاطب و سنجش حال مجلس مهم ترین معیاری است که فرد ذاکر براساس آن شعر، نوحه و یا روضه ای خاص را بر می گزیند.

۵. هیأت عزاداری

هیأت معمولاً به گروهی از افراد در یک اجتماع دینی که برای هدف خاص مذهبی دور هم جمع شده اند اطلاق می شود، همچنین می توان به عنوان یک نهاد اجتماعی با کارکرد دینی دانست که مانند هر نهاد اجتماعی دیگر هنجارهایی اجباری برای اعضای خود دارد. یعنی نوعی شکل مذهبی که بر محور عزاداری بر امام حسین (ع) و نیز مجموعه هایی از مردم هر محله در شهرها یا روستاها که برای سوگواری و روضه خوانی برای امام حسین و به ویژه در ایام عاشورا تشکیل می یابند، می باشد. هیأت گروهی اجتماعی - با سابقه تاریخی مشخص - و تجمعی از افرادی است که در راستای زنده نگه داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی (اعیاد، ایام ولادت و شهادت ائمه) با محوریت واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) و براساس ساختار دوگانه «واعظ» (سخنران، منبری) / «ذاکر» (مداح، روضه خوان) تشکیل می شود و اعضا از طریق روش هایی معمول و آدابی مشخص (سینه زنی، زنجیرزنی، دست زدن) به سوگواری یا شادمانی می پردازند. شرکت در آن، اختیاری و براساس یک اعتقاد و باور درونی است؛ متناسب با ویژگی های سازمانی و نیز مخاطبان، یک هیأت جدای هدف اصلیش، کارکردهای دیگری را هم می تواند در برگیرد.

چارچوب نظری

از آنجا که موضوع این تحقیق پیرامون مناسک دینی بوده است، لذا دیدگاه‌های نظری مورد استفاده در آن از کتاب صور بنیانی حیات دینی امیل دورکیم که یکی از بهترین و غنی‌ترین منابع موجود جامعه‌شناختی در حوزه دین می‌باشد برداشت شده است؛ ولی از میان نظریات بسیار مبسوط ارائه شده در این کتاب پیرامون موضوع مناسک، آنچه که در ارتباط با موضوع تحول در مورد اجرای مناسک عاشورا، بیش از همه جلب توجه نمود نظر دورکیم راجع به توزیع اندیشه دینی در بین توده مردم و نحوه عملکرد آن‌ها در قبال باورهای دینی‌شان می‌باشد که در آن تصریح می‌کند: "نه توزیع اندیشه دینی در بین توده‌های مردم معتقد به آن‌ها یکسان است و نه شیوه عمل کردن به باورهای دینی. بسته به نوع افراد، محیط‌ها و اوضاع و احوال، باورها و مناسک دینی به شیوه‌های مختلف و متفاوتی احساس و اعمال می‌شوند" (دورکیم، ۱۳۸۰: ۷). در واقع این تکرر گروه‌بندی‌های اجتماعی سبب تکرر صورت‌بندی‌های دینی نیز می‌شود، در نتیجه گاهی با غلبه وجه عرفانی و عرفا سروکار داریم و گاهی با الهی‌دانان و عقلای دین شناس. در واقع دورکیم در بیان این مطلب تأکید فراوان دارد که تجمع افراد در حین مناسک جمعی، مهم‌ترین نتیجه‌اش بازسازی و تقویت ایمان افراد به نمادهای مقدس و در نهایت تقویت پیوند آن‌ها با جامعه‌شان است و از آنجا که جهان اجتماعی، جهان یک‌دست و یک شکلی نیست و گروه‌های اجتماعی یک‌دست و همسان نمی‌باشند، این تکرر و تفاوت گروه‌ها و اجتماعات، هم در صورت‌بندی ادیان و هم ادراک و دریافت توسط مؤمنان بازتاب پیدا می‌کند. همه این‌ها به منشاء اجتماعی دین‌داران برمی‌گردد، چراکه دین در نهایت باید این منشاء را بازنمایی کند (همان).

دورکیم همچنین به دین نه تنها به منزله یک نظام اعتقادی بلکه به یک منبع حرکت‌زای اجتماعی و آرمان‌پردازی جمعی می‌نگرد. منبعی که از پویایی درونی جوامع انسانی تغذیه می‌شود. به زعم دورکیم وقتی انسان‌ها جمع می‌شوند و وقتی زندگی مشترکی دارند، از پیوندشان نیروی استثنایی متراکمی پدید می‌آید که بر آن‌ها غلبه کرده، به هیجان‌شان می‌آورد و ندای حیاتی‌شان را به درجه‌ای می‌رساند که پیش از این در زندگی خصوصیشان وجود نداشته است. در یک کلام شاخصه مذهب از دید او تأثیر حرکت‌زایی است که بر وجدان انسان‌ها دارد. بنابراین از این جهت نیز دیدگاه دورکیم به خوبی تبیین‌کننده علل توجه ویژه شیعیان به برپایی منظم و همیشگی مناسک عزاداری عاشورا در طول تاریخ به عنوان ابزار قدرتمند ایجاد همبستگی در میان جوامعشان می‌باشد.

روش

در طی انجام این تحقیق، ما سعی کرده‌ایم به «عینیت» که شرط لازم در پژوهش جامعه‌شناختی دانسته شده‌است، پای‌بند بمانیم و به ورطه قضاوت و داوری کشیده نشویم. اگرچه انتخاب این پژوهش در اصل متکی به نوعی موضع شخصی پیشینی و ارزشی بوده است - همان‌طور که وبر می‌گوید: گزینش اولیه و مفهوم‌بندی یک مسئله و نیز کوشش بعدی در جهت بیرون کشیدن دلالت‌های عملی از دل یک بررسی بسیار «به ارزش ربط دارد» - و جرقه اولیه آن در ذهن من براساس دید خاص من به عزاداری عاشورا بوده‌است.

این تحقیق در دو بخش صورت گرفته است: ۱. توصیفی (نشان دادن دقیق این تحول یعنی جانشینی مداح به جای واعظ) که در آن به تجلیات ظاهری این مراسم پرداخته‌ایم و ۲. تحلیلی (بررسی علل جامعه‌شناختی این تحول) که به تبیین دلالت‌های اجتماعی، دینی، فرهنگی پرداخته‌ایم.

در گام اول تحقیق برای به دست آمدن یک گونه‌بندی از هیات‌های عزاداری فعال در میدان مورد بررسی، کاری دورکیمی صورت داده‌ایم، به این ترتیب که با تکیه به آمار و اطلاعات مربوط به هیات‌های عزاداری فعال دزفول که در سازمان تبلیغات اسلامی ثبت شده بود و همچنین تعریف ارائه شده از مفهوم «هیات» و در نظر گرفتن شاخص دوام زمانی و کارکرد توانستیم دو تیپ آرمانی برای این هیات‌ها تعریف کنیم: ۱. هیات‌های سنتی (دسته‌ای از هیات‌ها که ویژگی‌ها، ارزش‌ها و سازمان گروهی‌شان از سنت مرسوم در هیات‌های جا افتاده و قدیمی که آغاز شکل‌گیری آن را به دوره صفویه نسبت می‌دهند، پیروی می‌کنند) ۲. هیات‌های فرهنگی (هیات‌هایی که تمامی کارکردهای هیات‌های سنتی را دارا می‌باشند به اضافه کارکردهای جدیدی که به واسطه شرایط اجتماعی جدید در آن‌ها محقق شده است و به صورت هیات‌هایی با رویکرد غالب فرهنگی و معرفتی بروز و ظهور یافته‌اند) و در مرحله بعد برای هر یک از تیپ‌های ایده‌آل نمونه‌هایی از هیات‌ها را از میدان تحقیق برگزیده و به بررسی پیرامون آن‌ها پرداخته‌ایم.

در این بخش بیشترین اطلاعات از طریق مشاهده مشارکتی، مصاحبه آزاد و نیمه ساخت‌مند و عمیق با مخاطبان و متولیان این هیات یعنی بانیان، واعظ و مداحان جهت دستیابی به تجربه‌های گذشته‌شان از هیات‌ها و تحول آن‌ها و نگرش خاصشان به این تحول صورت گرفته است.

روش مصاحبه هم به این شکل بوده‌است: ۱. طرح سؤالات باز در ابتدای مصاحبه، برای دریافت نخستین اطلاعات حاضر در ذهن مصاحبه شونده راجع به موضوع ۲. سؤالات مأخوذ از نظریه و متأثر از پیش‌فرض‌های نظری محقق به صورت یک پیشنهاد در اختیار مصاحبه شونده

قرار گرفته، تا براساس تناظر یا عدم تناظر با نظریه‌های شخصی‌شان پذیرفته یا رد شوند. ۳. از سؤال‌های مواجهه‌ای که در نقطه مقابل اظهارات مصاحبه شونده است استفاده شده تا در جریان آن امکان بازنگری انتقادی این تصورات و فرضیات ممکن شود.

علت استفاده از این روش از آن‌روست که در یک مصاحبه با طراحی باز احتمال بیشتری وجود دارد که فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را بیان کند. اگرچه ممکن است پاسخ‌ها جبهه‌گیرانه و یا ناصحیح باشند ولی درهرحال داده‌هایی کاملاً واقعی هستند که نمایش‌گر ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی افراد می‌باشد.

برای تیپ اول، یعنی هیات‌های سنتی از نقاط مختلف شهر سه نمونه و برای تیپ دوم، یعنی هیات‌های فرهنگی سه نمونه مورد بررسی قرار گرفته اند نمونه‌ها براساس شهرت و معروفیت مداح و یا خود هیات انتخاب شده اند و حتی المقدور سعی شده از محله‌ها و طبقات اجتماعی متفاوت نمونه‌گیری شود تا خصوصیات مجالس در طبقات مختلف شهری نیز پوشش داده شود. البته نمونه‌های دیگری هم مورد نظر بود که ابتدا در لیست نمونه‌های انتخابی قرار گرفته بودند اما پس از بررسی این تعداد هیات‌ها، بنظر می‌رسید که ویژگی‌های موارد جدید اکثراً با موارد بررسی شده مشابهت بسیاری دارند و با این تعداد مصاحبه و مشاهده تقریباً یک اشباع نظری در داده‌های تحقیق حاصل شد و با اندک تغییرات تدریجاً مسائل شکل تکراری به خود گرفت که از آن پس مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها متوقف شد.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات جمع‌آوری شده در میدان تحقیق نشان می‌داد که درکل هیات‌های (برمبنای ساختار واعظ/مداح) عزاداری فعال، در دزفول به دو دسته کلی قابل تقسیم می‌باشند: ۱- هیات‌های سنتی ۲- هیات‌های فرهنگی که ویژگی‌هایی هریک در ادامه می‌آید:

الف) هیئت‌های سنتی: ۱- اکثر این هیئت‌ها قدمت بیش از ۵۰ سال دارند. (۷ تا از این هیئت‌ها نزدیک به دویست سال قدمت دارند) ۲- متولیان آنها اغلب مداحان پیشکسوتی هستند که از بازاریان و کسبه قدیمی شهر می‌باشند. ۳- این هیئت‌ها معمولاً یا در دهه محرم و یا تا پایان محرم و صفر برنامه عزاداری دارند. ۴- مجالس این هیئت‌ها یا در مساجد قدیمی و یا بقعه‌های متبرکه و برخی نیز در حسینیه‌هایی که خود افراد برپا می‌کنند برگزار می‌شود. ۵- سبک مداحی آنها کاملاً سنتی است و از ریتم کند و سنگینی برخوردار است. ۶- منبرهای وعظ و روضه این هیئت‌ها غالباً بعد از دهه محرم و صفر برپا می‌شود ۷- وعاظ این هیئت‌ها معمولاً فاقد تحصیلات حوزوی اند و ((ملا)) خوانده می‌شوند.

ویژگی‌ها/ نوع هیات	سنتی	فرهنگی
قدمت هیات	اکثر این هیات‌ها قدمت بیش از ۵۰ سال قدمت دارند. (۷ تا از این هیات‌ها نزدیک به دویست سال قدمت دارند) برخی از این هیات‌ها که خیلی قدمت دارند، دارای امتیاز خاصی هستند که سایر هیات‌های سنتی از آن برخوردار نمی‌باشند و این امتیاز داشتن نمادی است به نام ((شیدانه)) یا ((شهیدانه))، شیدانه چیزی شبیه نخل در مراسم نخل گردانی است حجله ماندی‌ست که آذین‌بندی می‌شود و در تاسوعا و عاشورا در جلوی هیات حرکت داده می‌شود.	اکثر این هیات‌ها از سال ۷۰ به بعد تأسیس شده‌اند و در قسمت‌های جدید شهر واقع شده‌اند.
مکان هیات	مجالس این هیات‌ها یا در مساجد قدیمی و یا بقعه‌های متبرکه و برخی نیز در حسینیه‌هایی که خود افراد برپا می‌کنند برگزار می‌شود.	مجالس این هیات‌ها در مساجد برقرار است.
زمان برگزاری مراسم	این هیات‌ها معمولاً یا در دههٔ محرم و یا تا پایان محرم و صفر برنامه عزاداری دارند. منبرهای وعظ و روضه این هیات‌ها غالباً بعد از دههٔ محرم و صفر برپا می‌شود.	این هیات‌ها علاوه بر ایام محرم و صفر در طول سال فعالند و به مناسبت‌های مختلف مانند اعیاد و وفات ائمه برنامه‌های ویژه فرهنگی دارند.
میزان سازماندهی	در ساختار پیچیدهٔ هیات‌های سنتی، هر چیز سرجای معین و مخصوص خودش است و طبق نظامی سلسله مراتبی، همه اعضا وظایف مشخص و تخلف ناپذیری دارند. در سازمان این‌گونه هیات‌ها، آداب و شئونی برقرار است که بیشتر جنبه موروثی دارد و تابع معیارهایی از جمله تجربه، سن و سال افراد است.	میزان سازماندهی در این هیات‌ها نسبت به هیات‌های سنتی پیچیده‌تر است با این تفاوت که در این هیات‌ها سن و سال افراد چندان اهمیتی در پذیرش مسئولیت در درون هیات ندارد.
بانی	بانیان آن‌ها اغلب مداحان پیشکسوتی هستند که از بازاریان و کسبه قدیمی شهر می‌باشند.	بانیان اصلی آن‌ها افراد جبهه رفته و عضو پایگاه-های بسیج مساجداند که اغلب هم تحصیل کرده‌اند.

<p>مداحی در این هیات‌ها به سبک جدید و برخلاف سنتی‌ها، شورمندانه است و نوحه‌ها غالباً از ریتم‌تندی برخوردارند و مداحان دارای چنین ویژگی‌هایی هستند:</p> <p>۱- جوان بودن ۲- شاگردی نکردن ۳- فی البداهه خواندن ۴- شورمندانه خواندن ۵- حرفه ای بودن ۶- تحصیل کرده بودن.</p>	<p>سبک مداحی آن‌ها کاملاً سنتی و دارای پیشینه بومی می‌باشد و مداحان دارای چنین ویژگی‌هایی می‌باشند:</p> <p>۱- اغلب سنین جوانی را گذرانده و پیرسال و پایه سن گذاشته اند ۲- استاد و آموزش دیده اند ۳- بر شعر و دستگاه‌ها و الحان آوازی تسلط دارند. ۴- با مقاتل و متون دینی آشنایی دارند. ۵- بسیاری از آن‌ها از خیرین و افراد معتمد مردم و صاحب نفوذ شهر می‌باشند. اکثر این افراد که از صنف بازاریان و کسبه سرشناس و متدین هستند به مداحی فقط به عنوان یک فضل و افتخار نگاه می‌کنند و از آن چشم‌داشت مالی ندارند.</p>	<p>مداح</p>
<p>و عاظ این هیات‌ها غالباً از روحانیون جوانی هستند که در حال گذراندن سطح مقدماتی دروس حوزه هستند و معمولاً هم دارای سوابق علمی خوب و در ارتباط با مراکز دانشگاهی هستند جریان وعظ و خطبه در این هیات‌ها جریان نوظهوریست که مبتنی بر تبلیغ اسلام مخالف با تاجر و آشتی دادن جوانان با دین است.</p>	<p>۱- وعاظ سنتی اغلب در سنین کهن‌سالی هستند. این را می‌توان به ذائقه بانیان و اعضای هیات‌های سنتی نسبت داد که عموماً خود هم در گروه سنی مشابهی هستند. ۲- واعظان سنتی چه در درون و چه در بیرون مجلس، با عامه مردم خصوصاً بازاریان رابطه حسنه‌ای دارند و همین امر باعث استمرار و رونق کار واعظان است. ۳- واعظان سنتی برنامه کاری ثابتی، چه از نظر زمان و مکان، دارند. ۴- واعظان سنتی اغلب از سطح تحصیلات بالایی برخوردار نیستند.</p>	<p>واعظ</p>

این هیئت‌ها، همانگونه که از نامگذاریشان پیداست، از هیئت‌های قدیمی و سنتی شهر محسوب می‌شوند و یکی از اساسی‌ترین عوامل برپایی مجالس عزاداری در آنها در جهت عمل به سنت نیاکان و به نوعی حفظ و صیانت از آن می‌باشد. در این هیئت‌ها اگر چه شکل ظاهری برپایی مجالس تقریباً مانند گذشته است ولی به لحاظ عناصر ساختاری هیئت دچار تغییر شده‌اند؛ به طوری که منبر و وعظ در این هیئت‌ها معمولاً در دهه اول محرم که اوج عزاداری است جایی ندارد و غالباً به بعد عاشورا و در قالب مجالسی با جمعیت کمتر موقوف می‌شود. در واقع، نامگذاری امروز این هیئت‌ها به هیئت‌های سنتی، بخاطر محوریت مداحان سنتی در این مجالس است نه بواسطه دارا بودن و حفظ ساختار سنتی واعظ / مداح.

برخورداری این مداحان از ویژگیهای مثبت اجتماعی، در کنار برخورداری از ویژگی مداح اهل بیت بودن، آنها را در جایگاه خوب و برجسته ای از مجالس عزاداری قرار داده است به طوری که در این مجالس، در اکثر موارد واعظ موضوع سخنرانی خود را با نوع مرثیه و نوحه مداح هماهنگ می کند، در حالی که در گذشته عکس آن صورت می گرفته، و مداحان به علت شأن و رفعت مقام معنوی واعظ خود را با وی هماهنگ می کردند. این امر در کنار موکول نمودن برنامه منبر در اکثر این هیئتها به بعد از دهه اول محرم و اختصاص کمترین زمان ممکن به منبر خود به نوعی می تواند بیانگر اهمیت کمتر و در حاشیه قرار گرفتن وعظ و منبر نسبت به مداحی و نوحه خوانی برای بانیان این هیئتها باشد. البته لازم به ذکر است، مداحان پیشکسوتی که در این هیئتها حضور دارند، به واسطه حضور مستمر و طولانی مدتی که در مجالس عزاداری امام حسین (ع) داشته اند، با متون روایی و مقاتل به اندازه ای آشنایی پیدا کرده اند که، مدعی اند به تنهایی از عهده اجرای مراسم حتی در نبود واعظ به خوبی برمی آیند.

معمولاً روحانیونی که در هیئتهای سنتی به عنوان واعظ دعوت می شوند از قدیم رابطه نزدیکی با بازاریان و کسبه که بانیان اصلی هیئتهای سنتی اند داشته و دارند و کسانی اند که در سطوح علمی بالایی از حوزه قرار ندارند و بیشتر اطلاعات علمی آنها در حد پاسخگویی به مسایل شرعی عامه مردم است و اغلب نیز پایه سن گذاشته و مسن می باشند و از طریق شرکت در این مراسم و همچنین مجالس روضه خانگی گذران زندگی می کنند.

آنها بر خلاف واعظ جوان و تحصیلکرده موضعی خنثی نسبت به فضای عزاداریها دارند و عملکردشان دقیقاً در جهت جلب رضایت بانی و صاحب مجلس است و از آنجا که گرایش رایج و عمومی در هیئتهای سنتی مبتنی بر جدایی دین از سیاست است و اکثر بانیان هیئت های سنتی، مایل نیستند با طرح مسائل سیاسی و مشکلات روز جامعه از قداست مجلس حسینی کاسته شود و فضای معنوی آن خدشه یابد، لذا اصولاً محتوای منبرهای این واعظ در مجالس عزاداری محدود به طرح جنبه های فرابشری و اسطوره ای و قدسی شخصیت امام حسین (ع) و دیگر شهدای کربلاست که به وسیله آن اصلی ترین هدفشان که همانا گریاندن افراد پای منبر است محقق می شود. البته در این راستا تأکید عمده آنها بر روی جنبه هایی از شخصیت و ویژگی های انسانی صورت می گیرد که پتانسیل بیشتری در برانگیختن عواطف و احساسات مستمعین داشته باشند.

ب) هیئتهای فرهنگی: ۱- اکثر این هیئتها از سال ۷۰ به بعد تأسیس شده اند و در قسمتهای جدید شهر واقع شده اند. ۲- متولیان اصلی آنها افراد جبهه رفته و عضو پایگاه های بسیج مساجد اند که اغلب هم تحصیلکرده اند. ۳- این هیئتها علاوه بر ایام محرم و صفر در

طول سال فعالند و به مناسبت‌های مختلف مانند اعیاد و وفات ائمه برنامه های ویژه فرهنگی دارند. ۵- مجالس این هیئتها در مساجد برقرار است ۶- منبرهای وعظ و خطابه در این هیئتها از اهمیت بیشتری نسبت به هیئتهای سنتی برخوردار است ۷- مداحی در این هیئتها به سبک جدید و برخلاف سنتی ها، شورمندانانه است و نوحه ها غالباً از ریتم تندى برخوردارند.

نوع مداحی مداحان به لحاظ سبک و شیوه اجرا در این نوع هیئتها نسبت به نوع سنتی دچار تغییر شده اند. نوع استفاده مداحان از متون، نحوه اجرا و نوع موسیقی، متفاوت از نوع عمل مداحان در گذشته می باشند. به نظر می رسد این مداحان از متونی استفاده می کنند که تا حدود زیادی نمایانگر شرایط معاصر آنها است. به عبارت دیگر، محتوای این متون هر چه بیشتر به متن و شرایط زندگی و الگوهای فرهنگی که در آن به سر می برند نزدیکتر می باشد.

جریان وعظ و خطابه در این هیئتها مبتنی بر تبلیغ اسلام نواندیش است و در این مسیر، وعظ هدف گیری اصلی خود را بر جوانان و نوجوانان متمرکز می کنند و منبرهای خود را متناسب نیازها و اقتضائات این گروه تنظیم می کنند. این جوان محوری نه فقط در فرم، که در محتوای منبرها نیز قابل مشاهده است به طوری که در اکثر مواقع در این منبرها از مقولات تهذیب اخلاقی و عرفانی سخن گفته می شود و کمتر بحث های سیاسی مطرح است و مباحث فقهی نیز خیلی کم طرح می شود و به عبارتی کمتر از سختگیری هایی که به مذاق جوانان خوش نمی آید سخن گفته می شود. البته به علت انگشت شمار بودن چنین وعظی در سطح شهر اغلب برای ایام محرم وعظ جوانی از قم یا مشهد و از کانال مداحان و بانیان جوان هیئتهای فرهنگی برای منبر دعوت می شوند و این خود عامل مهمی است که مانع از استمرار این مجالس در طول سال و بالطبع اثر بخشی کافی آن می شود چرا که در این مقطع کوتاه کمتر امکان برقراری ارتباطات قوی و عمیق با اعضای هیئت میسر می گردد ولی از آنجایی که این وعظ غالباً جوان و امروزی بوده و با ادبیات قراردادی و امروزی جوانان با آنان سخن می گویند و از طرفی چون اغلب بدور از مسئولیتهای دولتی و پستهای حکومتی هستند به عنوان الگوهای جذاب برای جوانان مطرح می شوند. البته این وعظ جوان بر خلاف وعظ هیئتهای سنتی توانایی های بیشتری از نظر ابزار تبلیغی دارا می باشند چرا که غالباً بعد از اتمام دوره دبیرستان یا دانشگاه وارد به تحصیلات حوزوی شده اند و به مطالعات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی علاقه مندند و آموزشهای خاص تبلیغی از نظر شیوه استفاده از مقاتل و روضه ها را گذرانده اند.

جمع بندی و نتیجه گیری

مناسک عزاداری عاشورا به صورت منظم و دوره ای در هر سال، به مدد گردهمایی‌هایی که ایجاد می‌کند، به بازسازی اخلاقی و باورهای مذهبی عزاداران در ارتباط با واقعه کربلا و فرهنگ عاشورا کمک می‌کند و به تثبیت دوباره احساسات و اندیشه‌های آنان نسبت به امام حسین (ع) و یاران ایشان منجر می‌شود و از آن‌جا که این مراسم مستقیماً احساس و عاطفه افراد را درگیر می‌سازد، لذا از تأثیر سریعتر و گسترده‌تری نیز برخوردار است. در واقع، آن کسی که در این مناسک به عزاداری می‌پردازد به آداب دینی عمل کرده است، می‌داند که همه این تأثرات بر انگیزاننده آرامش درونی، صفای باطن و شوقی، که در درون خود حس می‌کند و از نظر وی دلیل بر صحت تجربی باورهای وی هستند از آثار و برکات مناسک عزاداری است.

از طرفی مناسک مذهبی مثل مناسک عاشورا، منحصر به همین اعمال شورمندانه و احساسی و حرکات و اعمال نمایشی جمعی نیست که در جریان اجرای مداحی‌های شورمند صورت می‌گیرد، بلکه مناسک مذهبی همان‌طور که دور کنیم بر آن تأکید دارد؛ کارکرد جدی‌تر و دائمی برای برانگیختن آمادگی‌های ذهنی مؤمنان و تقویت حیات اخلاقی و همبستگی جامعه به عهده دارد. ولی با کمی دقت به کیفیت برگزاری مناسک عاشورا، به روند رو به تضعیف برخی از این کارکردهای جدی مورد انتظار از آن - مانند واداشتن افراد به عمل در جهت رسیدن به حیات اخلاقی مناسب جامعه - می‌توان پی برد. به عبارتی عناصر اصیل دینی و آگاهی‌های مذهبی در مقابل انجام مناسک شورمند و بی‌هدف و صرفاً عاطفی و احساسی بسیار کم‌رنگ شده است. چراکه این مجالس براساس یافته‌های میدانی به مانند گذشته تنها رسانه شیعه محسوب نمی‌شوند و مردم از طرق مختلف من جمله رسانه‌هایی چون رادیو، تلویزیون، روزنامه و... به منابع مختلفی در زمینه مسائل اعتقادی و مذهبی دسترسی دارند و کمتر به نشستن در پای منبر واعظ احساس نیاز می‌کنند از سوی دیگر به دلیل کم شدن ارتباط این مجالس با علما و روحانیون برجسته، اکثر منبرهای وعظ و خطابه به بخشی بی‌محتوا و کم اثر در این مجالس تبدیل شده‌اند و صرفاً برطبق عادت مألوف این مجالس به صورت برنامه‌ای جنبی و در حاشیه وجود دارند.

نگرشی که بر انجام مناسک عاشورا غالب است، به نوعی تطهیر و آرامش روحی و روانی می‌انجامد. چراکه گریستن افراد در سایه چنین فضایی مناسکی به اتفاق دیگران، آرام درونی آن‌ها را تسکین می‌دهد و به رضایت درونی دست می‌یابد. این احساس رضایت درونی اگرچه یکی از کارکردهای مهم این مناسک است، ولی اگر خالی از شناخت عمیق و فهم درست حقایق تاریخی مرتبط با قیام دینی عاشورا باشد، منجر به ورود افراد به فضایی تخیلی و غیرواقعی از این حادثه شده و درضمن کارکرد مهم و حیاتی دیگر این مناسک، که همانا ترویج اندیشه ظلم

ستیزی و مبارزه با بیداد، در طول تاریخ تشیع می‌باشد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و به ضعف آن می‌انجامد، و از لحاظ اجتماعی نیز به این منجر می‌شود که رضایت و قناعت به وضع موجود، جایگزین تلاش برای رسیدن به وضع ایده‌ال و مطلوب انسانی شده و نوعی تخدیر اذهان را موجب می‌گردد. از طرف دیگر نیز گردهمایی‌های پیرامون این مناسک را به نوعی سرگرمی و بیان احساس جمعی صرف محدود می‌سازد.

یکی از عوامل مهمی که باعث شده، شناختن و فهمیدن و اندیشیدن به مسئله‌ی عاشورا، برای انجام عمل و اجرای برنامه‌گریستن ترک شود، همانا کم رنگ بودن حضور و عاظم و نخبگان دینی و کم اثربخشی تلاش آن‌ها در انتقال مفاهیم و آگاهی‌های دینی مورد نیاز جامعه، در پرتو برگزاری بزرگترین آیین مذهبی شیعه است. در این میان عوامل مختلفی در به‌وجود آمدن چنین وضعیتی دخیل اند. از جمله این‌که علما و روحانیون تراز اول و برجسته که در گذشته از متولیان اصلی مجالس عزاداری محسوب می‌شدند، پس از انقلاب به دلایل مختلف از جمله تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی، گسترش روزافزون مجالس عزاداری و سپرده‌شدن این مجالس به دست افراد کم سواد و نااهل و رواج صور بدعت آمیز در آن، کم‌کم از این مجالس فاصله گرفته و در قبال آن عملکردی محافظه کارانه را در پیش گرفتند و این فاصله گرفتن علما از جریان عزاداری‌های مردمی، به نوبه خود زمینه مساعد را برای اعمال سلاقی غیردینی و انحرافات بعدی در اجرای این مناسک فراهم آورد. از طرفی غالب جمعیت و عاظمی که در مجالس عزاداری عاشورا حضور می‌یابند، فاقد توانایی‌های لازم در ایفای نقش آگاهی بخشی و تعمیق باورهای دینی در بین عامه مردم می‌باشند. این دسته از عاظم نه تنها قدرت چندانانی در برانگیختن احساسات مذهبی و ایجاد شور در بین مستمعین مجالس عزاداری ندارند، بلکه از لحاظ علمی هم در سطح بالایی قرار ندارند و آگاهی‌های دینی و اطلاعات مذهبی بسیار محدودی دارند، به نحوی که پاسخ‌گوی اقصای مختلف جامعه نمی‌باشند. این عاظم به قضیه منبر و وعظ به عنوان وسیله‌ای برای گذران زندگی و امرار معاش خود نگاه می‌کنند و طبعاً محتوای منبر و جهت‌گیری خاص آن‌ها مستقیماً وابسته به برآورده شدن این نیاز می‌باشد. البته در این میان افرادی هم وجود دارند که از لحاظ سطح علمی و دانش نسبت به گروه اول بالاترند و در ایراد وعظ و خطابه نیز تبحر لازم را دارا می‌باشند ولی از آن در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند.

از طرفی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حاکمیت دینی، روحانیت به عنوان نهاد اصلی دین در رأس امور قرار گرفت و در تمامی عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی اجرایی کشور وارد شد. برخی از روحانیون در این جایگاه جدید، اعم از سمت‌های دولتی و پست‌های کلیدی کشور گرفته تا مسئولیت‌های اجرایی پایین‌تر، دچار اشتباهات و لغزش‌هایی بودند که افکار

عمومی و عامه مردم معمولاً آن‌را به پای دین می‌نوشت و نه فرد خاطی. این روند به مرور زمان و بافاصله گرفتن جامعه از آرمان‌ها و ارزش‌های نخستین انقلاب رو به تزاید نهاد و تکرار آن نوعی بی‌اعتمادی به روحانیت را در میان مردم رواج داد به طوری که امروز عامه مردم در این مجالس اظهار می‌کنند؛ که با مداحان احساس انس و صمیمیت و نزدیکی بیشتری دارند.

البته علاوه بر موارد فوق باید به عواملی دیگر از جمله تغییر ذائقه مردم و نیازهای آن‌ها با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری کشور نیز اشاره نمود چراکه با اتمام جنگ، جامعه از التهاب و تحرک ناشی از آن فاصله گرفت و نوعی سکون و روزمرگی بر فضای جامعه حاکم گردید. اما دوران پس از جنگ و به‌ویژه با رحلت امام تغییرات عمده‌ای در حیطه‌های مختلف آغاز شد. در مجموع دوره پس از رحلت امام خمینی تا تیر ۱۳۸۴، یعنی مجموع دوره‌های ریاست جمهوری هاشمی و خاتمی، دوره‌ای سرشار از تحول بود. از جمله این تحولات، به مطرح شدن ارزش‌های جدیدی در جامعه می‌توان اشاره کرد که از منظر دولت و سیاست‌گذاران و برنامه ریزان نظام، محرک رونق اقتصادی و لازمه پیشرفت تکنولوژیک کشور شمرده می‌شد. این تحولات همچنین در حوزه معرفتی و دین نیز، به شکل رویکردهای جدید روشن‌فکرانه بروز و ظهور یافت و زمینه انتقاد به قرائت رسمی و حکومتی از دین را فراهم می‌ساخت و اقتدار دینی یک‌دست موجود را زیر سؤال می‌برد و از طرفی از اقتدار هژمونیک روحانیت می‌کاست. رواج و بسط دیدگاه‌های فکری جدید در میان جامعه، به‌ویژه جوانان تحصیل کرده، به نوعی مجوز نگاهی انتقادی به الگوی دینداری رسمی جامعه را به آن‌ها می‌داد و به این ترتیب در این دوران، ما شاهد تغییر محسوسی در میان معیارهای دین‌داری در سطح جامعه هستیم که مستقیماً در مجالس عزاداری نمود یافته است و بارزترین نمود آن استقبال کم مردم از منبر و وعظ در مجالس عزاداری است.

همچنین عامل بسیار مهم و اساسی دیگر که در ایجاد تحول در مورد نقش وعظ و مداحان در مجالس عزاداری چشمگیر است ورود بی‌رویه افراد، تحت عنوان مداح به حیطه مناسک مذهبی عاشورا است، که به دنبال رشد جمعیت و گستردگی این مناسک از لحاظ تعداد در سطح جامعه رخ داده است. این افراد با استفاده از ابزار قدرتمندی مثل موسیقی، که غالباً نیز متناسب با ذائقه عامه مردم انتخاب می‌شود توانسته‌اند جذابیت‌های جدیدی برای مجالس عزاداری ایجاد کنند و تعداد زیادی از آن‌ها نیز از این بستر مناسب برای دستیابی به شهرت و موقعیت اجتماعی مطلوب سوءاستفاده کنند و از آن‌جا که برخی از آن‌ها نیز پابندی چندانی هم به باید و نبایدهای دینی ندارند، صوری را می‌نمایند که چندان مورد تأیید مراجع دینی نمی‌باشد، ولی از طرفی به گفته دورکیم هم، رابطه مناسک و مخاطبانش، رابطه‌ای استدلالی و عقلانی نیست و در مناسک استدلال منطقی و مستقیم درباب حقیقت یا سودمندی یک قضیه برای

مخاطب مهم نیست بلکه "احساس رضایت اخلاقی حاصل از به‌جا آوردن منظم مناسک" است که در او اثرگذار است. پس در این میان مداحان بی‌شک سهم عمده‌ای در ایجاد چنین احساس رضایت اخلاقی و آرامشی که افراد در جریان شرکت در چنین مجالسی می‌یابند به‌عهده دارند، چراکه مداحان با آگاهی از نیاز افراد به دستیابی به چنین رضایت درونی و با انگشت گذاشتن بر احساس مذهبی و عاطفه انسانی آن‌ها، اعتماد مخاطبین را به خود جلب نموده و با استفاده از ابزاری چون شعر و موسیقی و حرکات و ایما و اشارات خاص، آن‌ها را مجذوب خود می‌نمایند. درواقع مداحان باتکیه بر بعد احساسی مناسک عاشورا و ایجاد جذابیت‌های مطابق با ذائقه مخاطبین خود، محور برگزاری این مناسک شده‌اند.

از این‌رو دورکیم ایجاد نوعی پیش‌آمدگی روحی در شنوندگان برای پذیرفتن و باورکردن توسط واعظان و رهبران مناسکی را ضروری می‌داند، که مقدم بر برهان و استدلال است. این پیش‌داوری مناسب و شوق به باور کردن در مؤمنان، درست همان چیزی است که ایمان را می‌سازد. بنابراین درمسئله برگزاری مجالس عزاداری عاشورا نیز، که به عنوان یکی از مصادیق بارز مناسک دینی مطرح است می‌توان به این واقعیت استناد کرد؛ به این ترتیب که درحاشیه قرارگرفتن وعظ مذهبی و گرایش بیش از پیش به سمت برگزاری شورمندانه مناسک عاشورا و محوریت یافتن مداحان در آن‌را می‌توان به نوعی به غفلت و بی‌توجهی وعاظ به بعد احساسی و عاطفی این مناسک نسبت داد. یعنی همان چیزی که امروزه محور توجه مداحان قرارگرفته و عامل مهمی در دستیابی آن‌ها به مقبولیت بوده است.

درواقع درحال حاضر در جریان برگزاری مناسک عاشورا ما شاهد بروز و ظهور مداحی به شکل کاملاً تخصصی و حرفه‌ای هستیم که توانایی بالایی در جذب مخاطبین مجالس مذهبی از لحاظ احساسی و عاطفی و ایجاد احساس رضایت اخلاقی در آن‌ها دارند. مداحی که کاملاً متفاوت از گذشته و مطابق با ذائقه نسل جوان ظاهر شده است.

مداحان امروز علاوه بر داشتن صدای خوب با تکیه بر نوعی آگاهی از نیاز مخاطب به همراه فضایی وسیع و زیاد برای تکرار و تجربه و آزمایش که در مجالس داشته‌اند، موسیقی جذابی را در نوحه‌ها به کار می‌برند که البته بیش از آن‌که ابداع باشد، تقلید از نظم موسیقیایی موسیقی‌ها و ترانه‌های مطلوب مردم است. از طرفی هم برخی از آن‌ها اهل مطالعه در زمینه متون دینی و روایی هستند و با وجود امکانات مختلف در جهت دسترسی به اطلاعات، به راحتی به مقاتل مختلف در ارتباط با قضیه کربلا دسترسی دارند و از این‌رو به راحتی خلاء ناشی از وجود وعاظ مذهبی را پرمی‌کنند و در اکثر موارد هم ازسوی بانیان ترجیح داده می‌شوند و این درحالی‌ست که اغلب وعاظ مذهبی فاقد اغلب این فاکتورهای مؤثر در جذب مخاطب عامه هستند و لذا در عرصه برگزاری مناسک عاشورا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

به طور کلی آنچه که امروز با آن مواجهیم، شرایطی است که از سویی در آن به واسطه تغییرات زیاد اجتماعی سال‌های اخیر، منبر و وعظ به عنوان قویترین و مؤثرترین رسانه شیعه تضعیف شده است. چراکه برخلاف گذشته که منبر این مجالس با حضور علما و مراجع بزرگ، همواره تحت نظارت مستقیم نهاد دین بود، اکنون غالباً مستقل از آن عمل می‌کند به عبارتی دیگر تعداد زیاد و گستردگی بیش از حد این مجالس موجب شده که علما و روحانیون برجسته نتوانند نظارت گذشته را بر آن اعمال کنند و این خود عامل مهمی در ضعف منبر و وعظ این مجالس به حساب می‌آید.

البته در این میان باید به تلاش‌های فردی قابل توجه اقلیتی از وعاظ توانا نیز، که در جهت غنا بخشیدن فکری به مجالس عزاداری صورت می‌گیرد، اشاره کرد که البته به دلیل عدم وجود سازماندهی درست از سوی نهادهای دینی و نبود متولی مشخص، به نتیجه و سامانی نمی‌رسد و در نهایت محدود به محافل خاصی می‌شود. در واقع باتوجه به سرعت تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، اقدامات مؤثری در مورد تربیت وعاظ توانا صورت نگرفته است و نیاز روز جامعه به خوبی برآورده نشده است و تعداد کمی از وعاظ خوب هم که وجود دارند جواب‌گوی تعداد زیاد مجالس عزاداری موجود نمی‌باشند.

از سوی دیگر نوعی اشباع در ذائقه دینی مردم نسبت به الگوی دین‌داری رسمی و حکومتی که از طریق رسانه تبلیغ می‌شود، ایجاد شده است. ولی نیاز فطری مردم به شنیدن حرف دین و قرار گرفتن در فضایی مناسکی همچنان باقی‌ست. اکنون این نیاز باید برآورده شود ولی نوعی بی‌اعتمادی مردم به روحانیت - به عنوان نماد دین‌داری - که به واسطه عملکرد بد آن در طول سال‌های پس از انقلاب به وجود آمده است، سبب شده که عامه مردم در جهت برآوردن نیاز خود، مرجعیت جدیدی را جستجو کنند. یکی از نشانه‌های اثبات این مدعا رشد بی‌سابقه حضور سخنرانان غیرمعموم و لباس شخصی؛ که اغلب از اساتید دانشگاهی‌اند در مجالس عزاداری محرم می‌باشد، که در کنار مداحان و ذاکران با استقبال زیادی از سوی اقشار مختلف و حتی عامه مردم روبه‌رو شده‌اند.

در پایان تحقیق آنچه که به عنوان علل عمده ایجاد جابه‌جایی و تحول نقش واعظ و مداح در مجالس عزاداری تشخیص داده شد به این ترتیب می‌باشد:

- ۱- فاصله گرفتن علمای بزرگ از مجالس عزاداری عمومی
- ۲- کم بودن وعاظ توانا نسبت به تعداد مجالس (باتوجه به رشد جمعیت و سرعت تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی)
- ۳- سپرده شدن منبرها به دست افراد کم سواد و روحانیون سطح پایین (علمی)

- ۴- بی اعتمادی مردم به وعاظ مذهبی به واسطه عملکرد بد برخی از آن‌ها در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی
- ۵- کم‌رنگ شدن نقش منبر به عنوان رسانه سنتی شیعه
- ۶- ایجاد الگوهای جدید دین‌داری به واسطه تحولات فرهنگی - اجتماعی
- ۷- پیشرفت مداحی به عنوان یک مقوله تخصصی و قدرت آن در جذب جوانان
- ۸- غلبه وجه عاطفی و احساسی بر مناسک عاشورا و انقطاع از پیوندهای تاریخی این مناسک
- ۹- تضعیف موقعیت وعاظ مذهبی به واسطه پررنگ شدن حضور سخنرانان غیرمعمم در مجالس عزاداری

بنابراین باتوجه به داده‌های به‌دست آمده از میدان تحقیق و همچنین یافته‌های پژوهش‌های مشابه در این زمینه به‌طور خلاصه می‌توان گفت که آن‌دسته از مجالس عزاداری امام حسین که از قدیم الایام برمبنای دو عنصر واعظ و مداح برپا بوده اند، تحت تأثیر شرایط اجتماعی - سیاسی که در هر دوره خاص تاریخی حاکم بوده است پذیرای تغییر و تحولاتی شده‌اند. به‌طور مثال در دزفول به‌واسطه برخورداری از حضور علما و مراجع بزرگ شیعه در گذشته و دارا بودن حوزه‌های علمی متعدد در حال، دارای بستری مناسب برای حضور دین و مناسک دینی در عرصه‌های اجتماعی زندگی مردم بوده است. به‌گفته بسیاری از ساکنین قدیمی دزفول، عزاداری در این شهر همواره تحت نظارت مستقیم علما و روحانیون بزرگ و برجسته شهر و اکثراً در بیت ایشان برگزار می‌شده است. به عبارتی علما و روحانیون بنیان اصلی این مجالس بوده و در ارتباط با عامه مردم و مسائل و معضلات مبتلا به آنان در جریان عزاداری قرارداشته‌اند. از این‌رو در این مجالس، وعاظ یا مداحان با شرایطی خاص، که در شأن مجلس تشخیص داده می‌شد انتخاب می‌شدند و در این فضا امکان اعمال سلیقه و رواج صور عوامانه از مناسک عاشورا، کمتر به‌وجود می‌آمده است. با روشن شدن اولین جرقه‌های انقلاب اسلامی، علما و روحانیون برجسته دزفول نیز با اتکاء به گردهمایی‌های مردم در مجالس عزاداری محرم، سهم عمده‌ای در روشنگری و آگاهی مردم برای پشتیبانی از حرکت‌های انقلابی و ضد شاه ایفا می‌کردند و بسیاری هم در این جریان‌ها به مانند سایر انقلابیون به زندان افتاده و سختی‌های آن را به جان می‌خریدند. در واقع در این دوران شاهد اوج قدرت منبر و وعظ در مجالس عزاداری و کارکرد حیاتی آن در دوران معاصر هستیم، و به‌وضوح غلبه صورت اعتقادی و فکری مجالس عزاداری بر وجه احساسی و عاطفی آن را می‌توان مشاهده کرد.

به عبارتی سال‌های پیش از انقلاب و با شروع تحرکات اجتماعی و مبارزاتی پیرامون آن، موجب پررونق شدن موقعیت وعظ و منبر در این مجالس شد و کارکرد مؤثر آگاهی بخشی

آن در هدایت نیروهای انقلابی آن زمان به وضوح قابل مشاهده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، به واسطه وجود روحیه انقلابی و آرمان‌خواهی در میان توده مردم و به‌ویژه جوانان، منبر و علما همچنان از ارزش و اعتبار گذشته برخوردار بود. همچنین روشن‌فکران دینی، در این برهه تاریخی با رویکردی ایدئولوژیک و سیاسی که نسبت به دین و مقوله دین‌داری داشتند، به ایجاد فضایی عقلانی و روشن‌فکرانه در مجالس عزاداری تأکید داشتند، لذا با وجود چنین دیدگاه و نظر گاهی نسبت به مجالس عزاداری امام حسین (ع) که بر فضای جامعه حاکم شده بود، در این برهه به نوعی شاهد تقویت و قدرت موقعیت وعظ و سخنرانی در این مجالس هستیم. این وضعیت ظاهراً در مورد فضاهای عزاداری در دزفول هم صادق بوده است چراکه در اکثر مصاحبه‌هایی که با بنیان‌هیئت‌های سنتی صورت گرفته به این واقعیت اشاره شده است و اکثر مصاحبه‌شونده‌ها، از وعظی به‌نام وعظ انقلابی نام برده‌اند که البته این روند در سال‌های نخستین انقلاب و تا شروع جنگ همچنان و البته با قوت کمتر ادامه یافت با شروع جنگ تحمیلی، دزفول به عنوان یکی از معدود شهرهایی بود که مرتباً مورد حملات سنگین موشکی عراق قرار می‌گرفت و از همان آغاز در متن جنگ قرار داشت و شهدای بسیاری داد. از این رو در میان اکثریت مردم به واسطه شهادت عزیزانشان، نوعی مقاومت و روحیه خاص حماسی همراه با شهادت‌طلبی ایجاد شده بود، که این روحیه در جریان برگزاری مجالس عزاداری محرم تشدید و تقویت می‌شد. لذا این مجالس کم‌کم در فضایی جدید نسبت به زمان صلح شکل گرفت، فضایی که همراه با ظهور مداحانی چون آهنگران، به فضای غالب عزاداری‌ها تبدیل شد. به عبارتی با شروع جنگ، فضای این مجالس در جهت پررنگ شدن نقش نوحه‌خوانی و مداحی مداحان با مضامین حماسی و شهادت‌طلبانه، تغییر پیدا کرد. غلبه چنین فضایی بر مجالس عزاداری و بروز سبک مداحی انقلابی و حماسی این مقطع، زمینه بروز مداحی به سبک‌های جدید و متنوع‌تر را در دوره‌های بعدی مهیا ساخت. با پایان یافتن جنگ اگرچه آرامش بر جامعه حاکم شد و از التهاب‌ها و هیجانات مربوط به دوران جنگ خبری نبود ولی همچنان فضای عزاداری‌ها در جهت تقویت مداحی و غلبه احساس و عاطفه بر مجالس عمل می‌کرد و با گذار از این دوران و اجرای اصلاحات سراسری در تمامی شئون جامعه، تغییرات قابل توجهی در حوزه‌های فکری و اعتقادی و مذهبی نیز اتفاق افتاد که به تبع آن مجالس عزاداری نیز متأثر شدند. از جمله تغییرات قابل توجه که در این مقطع آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته است، گسترش موج جدیدی از هیات‌های عزاداری بود که بعضاً ساختار دوگانه واعظ/مداح را کاملاً شکسته و با محوریت مداحان به اصطلاح پاپ برپا می‌شد. طبعاً به موجب شرایط جدید، مداحان به موقعیتی دست یافتند که آن‌ها را رکن اصلی مجالس عزاداری معرفی می‌کرد و وعظ را به حاشیه می‌راند. البته اگرچه امروز این جریان مداحی

جدید) به شدت سال‌های گذشته مطرح نیست ولی درکل جریان مداحی همچنان به عنوان جریان غالب مجالس عزاداری مطرح می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت؛ در چنین شرایطی به نظر می‌رسد آن‌چه که عامه مردم به دنبال آن‌اند، نوعی از دین‌داری است که در سایه فضای مناسکی عزاداری‌ها و هیات‌ها که به زعم خودشان، فضایی مقدس و معنوی و به دور از آلودگی‌های مادی و دنیوی است قابل دسترس می‌باشد. آن‌چه که امروز برای اکثر مردم اهمیت اساسی دارد؛ پیدا کردن احساس مذهبی رضایت بخشی‌ست که در جریان شرکت در مناسک عاشورا بدست می‌آید. به عبارتی آن‌چه که اکنون به عنوان شکل غالب الگوی دین‌داری عامه مردم نمود پیدا کرده‌است، صورت‌بندی جدید دینی، با تجلیات خاص عرفانی و فاصله‌گیری از عقلانیت دینی است. در واقع می‌توان گفت در شرایط کنونی نونیمابا تفوق دین‌داری احساسی و عاطفی بر دین‌داری روشن‌فکری و ایدئولوژیک مواجهیم که در آن مناسک صورت غالب دین را یافته‌اند و باورها و اعتقادات به حاشیه رانده شده‌اند و از این‌روست که مداحان (نماد دین‌داری عاطفی)، محور مناسک مذهبی شده‌اند و وعاظ (مرجع دینی)، در حاشیه قرار گرفته‌اند.

در واقع به طور خلاصه می‌توان گفت:

۱. اجرای نوع جدیدی از مناسک مذهبی عاشورا که با اهمیت یافتن مداح که جلوه‌هایی از دین‌داری عاطفی، سیال و غیرروشن‌فکری را می‌نمایاند در جامعه با اقبال بیشتری مواجه است.
۲. حضور برجسته و غالب مداح در عزاداری‌های محرم موجب تغییر در سبک عزاداری سنتی و جانشینی شور مذهبی به جای طرح مباحث فکری و تحلیلی شده است.
۳. متکی بودن محتوا و مشخصاً سبک عزاداری عاشورا به الزامات حیات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی عزاداران در اجرای سبک جدید آن مؤثر است.

منابع و مأخذ

- بهار، مهری (۱۳۸۳) "نذر و هویت اجتماعی زنان". نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴ زمستان ۱۳۸۳.
- بهار، مهری (۱۳۸۶) "تحول دینی یاسکولارشدن با تأکید بر مداحی جدید" (مقاله چاپ نشده).
- بهار، مهری (۱۳۹۰)، "مصرف و فرهنگ". تهران، سمت.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) "صور بنیانی حیات دینی". ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- رحمانی، جبار (۱۳۸۶) "مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی اقشار فرودست". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۷) (مصاحبه چاپ نشده) - عضو گروه جامعه‌شناسی دین.
- مظاهری، محسن (۱۳۸۷) "جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیات‌های مذهبی در ایران"، رسانه شیعه. چاپ و نشر بین الملل.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی